

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۴، ویژه فلسفه و کلام

مطالعه تطبیقی مولفه‌های دینداری از منظر روایات شیعه و سنی

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۵ تاریخ تأیید: ۹۵/۲/۲۸

مهدی شجریان*

چکیده

غالباً در عرف رایج، ارزش هر دینی با ظهورات و تجلیات آن دین در حیات ملتزمان به آن ارزیابی می‌گردد. در این میان اسلام برای تنظیم حیات مسلمانان متدین، دینداری مطلوبی را که از حقیقت دین اسلام سرچشمه می‌گیرد و امری مقدس است علاوه بر آیات قرآن در روایات متعددی از منابع فریقین مورد عنایت قرار داده و مولفه‌های سازنده آن را تشریح کرده است. نوشتار پیش رو با روش تحلیلی - توصیفی به منابع روایی فریقین رجوع نموده و اهم این مولفه‌ها را در سه حوزه «عواطف و احساسات دینی»، «مکارم اخلاق دینی» و «عملکرد و رفتار دینی» استخراج نموده است و بر این باور است که در مقام تبیین مولفه‌های دینداری اسلامی، هر چند روایات فریقین تفاوت‌های کمی و کیفی دارند لکن در نگرشی کلی نسبت بین این روایات در این مقام «واگرائی» و ضدیت نبوده، بلکه «همگرائی» و همسوئی است.

واژه‌های کلیدی: دینداری، شیعه، سنی، عواطف، اخلاق، رفتار.

* کارشناسی ارشد فلسفه دین دانشگاه باقرالعلوم (ع)

مقدمه

دینداری در قرآن کریم همواره مقدس و الوهی نبوده و امری مطلوب قلمداد نمی‌شود. پاره‌ای از انواع دینداری در قرآن کریم «بازیچه و سرگرمی» خوانده شده، (ر. ک: انعام: ۷۰ و اعراف: ۵۱) برخی دیگر «فرقه» هائی جدای از وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانسته شده، (ر. ک: انعام: ۱۵۲ و روم: ۳۲) بخش دیگری از ادیان «شریعت غیر ماذون» قلمداد گردیده، (ر. ک: شوری: ۲۱) و بالاخره حتی بر کفر کافران نیز اطلاق «دین» شده است. (ر. ک: کافرون: ۶)

در استعمالات قرآنی و روایی و در نتیجه در کلام اندیشمندان اسلامی، دین دو کاربرد اساسی دارد که توجه به تمایز آن دو در نتیجه این تحقیق بسیار موثر است. در کاربرد اول، دین حقیقتی مستقل از انسان است به گونه‌ای که بود و نبود انسان در بود و نبود آن دخالتی ندارد. (شیروانی، ۱۳۹۰، ص ۳۲) در این کاربرد، دین به عنوان «جعل» و «تدوین» از افعال الهی محسوب می‌شود و هرگز فعل بشر نخواهد بود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۰) در حقیقت، در این معنا - که برخی لغویین نیز به آن اشاره دارند (طریحی، ۱۳۷۵، ش، ج ۶، ص ۲۵۱) - دین مرتبه‌ای از «علم» و «اراده ذاتی» الهی است که از ازل تحقق داشته است به گونه‌ای که وجود بشر اثری در آن ندارد.

در کاربرد دوم یا همان «دینداری» که مد نظر این تحقیق است و برخی از لغویین از آن به «تدین» تعبیر کرده‌اند؛ (ر. ک: زمخشری، ۱۳۸۶، ش، ص ۲۶۲ و فیومی، ۱۴۱۴، ق، ص ۲۰۵) دین به عنوان «فعلی از افعال بشر» ارزیابی می‌گردد. (ر. ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۲۰) در این کاربرد انسان با پذیرش «دین به معنای اول»، محل ظهور و تجلی «دین به معنای دوم» می‌گردد. در نتیجه، این معنا مستقل از انسان نیست بلکه به

عنوان یک واقعیت فردی یا اجتماعی وابسته به انسان ظهور می‌یابد. (ر. ک: شیروانی، ۱۳۹۰، ص ۳۳)

دقت در کلام لغویین و معانی که برای دین ذکر نموده اند، محقق را به این نکته رهنمون می‌سازد که اکثر این معانی در حقیقت «تجلیات دین در وجود آدمی» هستند و نمی‌توان آنها را مستقل از وجود انسان تصور نمود. معانی مثل «داوری و قضاوت»، «خضوع»، «اطاعت و فرمانبرداری»، «خواری و ذلت»، «عادت» و «ملت و شریعت» همه از همین دست بوده اشاره به نقش موثر «انسان» در تحقق معنای دین دارند.

بر اساس آنچه گذشت «دینداری» در کاربرد دوم استقلالی از انسان نداشته حقیقت آن در وجود آدمی عینیت و تحقق می‌یابد. و چنانچه گذشت همواره امری مقدس نیست و ممکن است عین گمراهی و ضلالت باشد.

با بررسی متون دینی از یک منظر می‌توان برای دینداری مطلوب - به معنایی که گذشت - سه حوزه متمایز در وجود انسان تصویر نمود: در حوزه نخست، دین یا دینداری بر «احساسات و عواطف» دینداران، در حوزه دوم، دینداری بر «مکارم اخلاق» و صفات حمیده ایشان و در نهایت در حوزه سوم، بر «رفتارها و عملکرد» آنها اطلاق می‌شود. تمام این موارد، نمونه‌هایی متعددی در روایات فریقین دارند که در ادامه این تحقیق برخی از آنها بیان خواهند شد.

اینک می‌توان سوال اصلی این تحقیق را بازخوانی نمود. در این تحقیق، مراد از دینداری «ظهورات و تجلیات حقیقت دین در احساسات، خلیات و رفتارهای دینداران است» بنابراین مساله اصلی این تحقیق استخراج مولفه‌های «دینداری اسلامی» از میراث روائی فریقین و مقایسه تطبیقی بین آن دو است؛ به راستی کدامین احساس و کدامین صفات اخلاقی و کدامین رفتار و عملکرد است که می‌تواند نماینده تام «دینداری مطلوب اسلامی» محسوب شود؟ این سوال با عنایت به اینکه در عرف رایج مردم ارزش یک دین

را به همین ظهورات و تجلیات آن در متدینان می‌دانند بیش از پیش اهمیت می‌یابد. بنابراین در ابتدا به دنبال استخراج «عواطف و احساسات» و «رفتار و عملکرد» و «مکارم اخلاقی» هستیم که بتوان آنها را نماینده «دینداری اسلامی» در میراث روایی فریقین محسوب نمود و پس از آن به دنبال کشف رابطه بین این دو نظام روایی هستیم که آیا محتوای این دو در این حوزه با یکدیگر همگرایی و همسوئی دارد و یا ناهمگرا و ناهمسو هستند؟

نگارنده بر اساس جستجویی که انجام داده است، نوشتاری که خصوصاً با تلکید بر مقایسه بین روایات فریقین مستقیماً به این مساله بپردازد را نیافته است.

در ادامه مباحث مقاله را در پنج بخش دنبال می‌کنیم، ابتدا برخی کلید واژه‌های موثر در خصوص دینداری را در دو نظام روایی مقایسه می‌نمائیم، پس از آن مهمترین مولفه‌های دینداری در حوزه عواطف و احساسات را از منظر دو نظام روایی تبیین می‌نمائیم، سپس مهمترین مولفه‌ها را در حوزه مکارم اخلاق تشریح می‌کنیم و پس از آن نیز مهمترین مولفه‌ها را در حوزه رفتار و عملکرد مطرح خواهیم نمود و در نهایت به مقایسه تطبیقی این دو نظام روایی خواهیم پرداخت.

۱- بررسی واژه‌های کلیدی

برخی واژگان کلیدی در بین روایات فریقین مانند «ملاک الدین»، «اصل الدین»، «عماد الدین» و... به چشم می‌خورند که هر کدام مبین مولفه‌های اصلی دینداری هستند؛ در ادامه به جهت شکل‌گیری دورنمایی کلی از روایات موجود در این باب، مولفه‌هایی را که در کنار هر یک از این کلید واژه‌ها مطرح گردیده‌اند ذکر می‌نماییم.

مهمترین واژگان کلیدی که در میراث روایی شیعه بیان شده است، هشت مورد هستند که عبارتند از:

الف. اصل الدین: مولفه‌های متعددی نظیر کلمه توحید، اقرار به شهادتین، زهد، ادای امانت، وفای به عهد، ورع، حسن تسلیم در قبال اوامر الهی، نماز، نافله شب، علم و... به عنوان اصل و ریشه دینداری در روایات شیعه مطرح شده‌اند. (ر. ک: کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۹۷ و آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۵ و ابی فراس، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۶۲)

در این میان «محبت اهل بیت عصمت و طهارت» و همچنان خود «وجود نورانی ایشان» علیهم السلام به عنوان «اصل دین» معرفی شده است. (ر. ک: هلالی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۶۲ و صفار، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۱ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۳، ص ۳۱۸)

ب. عماد الدین: مولفه‌های متعدد دیگری نیز به عنوان ستون و تکیه گاه دینداری بیان شده‌اند؛ که عبارتند از: نماز، دعا و نیایش، جهاد، راستگوئی، ورع، سخاوت و بخشندگی، یقین و... (ر. ک: مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۰۱ و شعیری، بی تا، ص ۷۳ و برقی، ۱۳۷۱ ق، ج ۱، ص ۴۴ و ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۳۷)

در کنار این کلید واژه نیز «وجود اهل بیت عصمت و طهارت» به چشم می‌خورد به گونه‌ای که ایشان عمود و ستون دینداری و ایمان محسوب شده‌اند. (ر. ک: طبری، ۱۴۱۵ ق، ص ۳۹۹، کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۲۹۴ و ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۵۸۹ و کوفی، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۷۴)

ج. رأس الدین: در کنار این کلید واژه نیز مولفه‌های دیگری وجود دارند. گویا نبود آنها حیات دینداری را مختل می‌نماید؛ مانند «سر» که اگر در بدن نباشد، حیات بدن تمام می‌شود. اهم این مولفه‌ها عبارتند از: یقین صادق، راستگوئی، اکتساب حسنات، مخالفت با هوای نفس، نماز، ورع، شناخت قلبی اصول دین، صبر، عدالت ورزی، نیکی به مردم، حسن خلق، امانت داری و... (ر. ک: حرانی، ۱۴۱۰ ق، ص ۸۶ و ۱۵۹ و کراجکی، ۱۴۱۰ ق،

ج ۱، ص ۲۷۹ و ۲۰ و کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۵ و ۸۸ و مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۴، ص (۲۶).

علاوه بر موارد مذکور در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «دوست داشتن برای خدا» و «دشمن داشتن برای خدا» نیز به منزله سر ایمان محسوب شده است. (ر. ک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۲۲۸)

د. کمال الدین: مولفه هائی که در کنار این کلید واژه مطرح شده اند، در حقیقت مراتب کامل تری از دینداری را برای شخص فراهم می‌سازند. این مولفه‌ها عبارتند از: طلب علم و عمل به آن، ورع، اخلاص، یقین، قناعت، طاعت دائمی، انجام کارهای شایسته، اقدام به افعال با کرامت، پاسخ بدی را با خوبی دادن و... (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰ و حرانی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۹۹ و آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۳۲ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج (۶۸)

در این میان «ولایت امامان معصوم» نیز کمال دین محسوب شده است. (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۷ و مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۶۱) همانطور که «تبری از دشمنان» ایشان نیز همینگونه دانسته شده است. (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۷، ص (۵۸)

هـ نظام الدین: این کلید واژه نیز بیانگر مولفه هائی در دینداری است که امر دین به سبب آنها سامان می‌یابد؛ مولفه‌هایی از قبیل: حیا، مخالفت با هوای نفس، دوری از دنیا، حسن یقین، انصاف، مواسات، و... (ر. ک: آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۲۱ و مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۰، ص ۲۴۴)

وجود گرانمایه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و همچنین محبت به ایشان نیز «نظام الدین» محسوب شده است. (ر. ک: نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۱۶)

و. اساس الدین: مولفه هائی که بنیاد و پایه اساسی دینداری را تشکیل می‌دهند در کنار این کلید واژه معرفی شده اند که عبارتند از: عقل، اعتقاد به توحید، پذیرش عدل الهی و... (ر. ک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۹۶ و طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۹)

در این میان «آل محمد» صلی الله علیه و آله نیز اساس الدین محسوب شده‌اند. (ر. ک: رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷)

ز. جماع الدین: در کنار این کلید واژه، مولفه هائی از دینداری بیان شده است که در حقیقت جامع اوصاف دینداری می‌باشد. این مولفه‌ها عبارتند از: شناخت الهی، علم به رضای او، تقوا، صدق و راستگوئی، عفت، ورع، حیا، عمل خالص، کوتاهی آرزو، بذل نیکوکاری، خودداری از فعل قبیح و... (ر. ک: ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۶۱۰، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۴۱۶ و آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۸۳)

ح. ملاک الدین: در کنار این کلید واژه معیارهای دینداری بیان شده است از قبیل: عقل، یقین نیکو، صدق، مخالفت با هوای نفس، ورع و... (ر. ک: حرانی، ۱۴۱۰ق، ج ۵۱۳ و آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۱۴ و ۷۰۲)

چنانچه ملاحظه می‌شود در بین مولفه‌های مذکور برخی مربوط به حوزه «احساسات و عواطف»، پاره‌ای مربوط به حوزه «صفات حمیده اخلاقی» و بخش دیگری مربوط به حوزه «عملکرد و رفتار» هستند. در این میان تاکید بر «اهل بیت عصمت و طهارت» و محبت ایشان به عنوان اصل الدین، عماد الدین، راس الدین، کمال الدین، نظام الدین و اساس الدین حاکی از اهمیت این مولفه اساسی در تحقق «دینداری مطلوب» است.

اما در روایات اهل سنت، واژگان کلیدی «اساس الدین»، «اصل الدین»، «کمال الدین» و «نظام الدین» وضعیت مشابهی نظیر آنچه در روایات شیعه داشتند، ندارند. مقصود این عبارت این است که هر چند در روایات شیعه در کنار هر یک از این واژگان

مولفه‌های متعددی از دینداری به چشم می‌خورد لکن در روایات اهل سنت - بر اساس فحص صورت پذیرفته^۱ - اساساً هیچ یک از این واژگان پنج‌گانه به کار گرفته نشده‌اند.

در این میان سه واژه «عماد الدین»، «راس الدین» و «ملاک الدین» مبین برخی از مولفه‌های دینداری هستند؛ به گونه‌ای که فقه، علم و دانش، نماز، دعا و ورع «عماد» و ستون دین محسوب شده؛ (ر. ک: ابی یعلی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۲۴ و نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۳۵۹ و بیهقی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۹) نصیحت‌پذیری، ورع و همنشینی با متقین «اساس» دین شمرده شده (ر. ک: طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲) و ورع، «ملاک» دین شمرده شده است. (ر. ک: قضاعی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۹)

۲- مولفه‌های دینداری در حوزه «عواطف و احساسات»

کلید واژه‌هایی که بیشتر بررسی گردیدند، دورنمایی کلی از مولفه‌های دینداری را نمایان ساختند. اینک در این قسمت به خصوص مولفه‌های مربوط به حوزه «عواطف و احساسات» پرداخته می‌شود. در همین راستا، ابتدا این مساله را از منابع روایی شیعه و سپس از منابع روایی اهل سنت تبیین می‌نمائیم.

در روایات شیعه، حقیقت دین در محبت دانسته شده است. لسان این روایات، لسان حصر است به گونه‌ای که دین و دینداری تهی از عشق و محبت را اساساً «دین» محسوب نمی‌کنند. برید بن معاویه عجلای می‌گوید: در نزد امام باقر علیه السلام بودم. مردی از خراسان با پای پیاده به محضرش آمد و پاهایش را - که پوست انداخته بود- از کفش بیرون آورد و گفت: به خدا جز دوستی شما اهل بیت، هیچ عاملی مرا از راه دور به اینجا نیاورده است. امام فرمود: «به خدا قسم اگر سنگی ما را دوست بدارد، خداوند او را با ما

۱. برخی از کتب روایی که این مساله در آنها جستجو گردید عبارتند از: صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابن ماجه، سنن ابی داود، سنن ترمذی، السنن الکبری، المعجم الکبیر، المستدرک علی الصحیحین، حلیه الاولیاء، شعب الایمان، سنن دارمی، کنز العمال و... .

محشور می‌کند و آیا دین چیزی جز محبت است؟» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۷، ص ۹۵ و ج ۲۵، ص ۵۱)

بر اساس این روایات، محبت در دینداری به وزان روح و گوهر دین است و گوئی دینداری بدون محبت از حقیقت تهی است چرا که تسلیم و اطاعت که عنصر موثری در دینداری است - و در آینده از آن سخن گفته می‌شود - بدون محبت حقیقی شکل نمی‌گیرد. به همین جهت در کلام منسوب به امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی او نمائی؟! به جان تو این رفتاری شگفت است. اگر دوستی‌ات راستین بود اطاعتش می‌کردی زیرا که دوستدار، مطیع کسی است که او را دوست دارد» (حرانی، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۹۴)

در این روایات دینداری بدون محبت رهی به تعالی و تکامل ندارد؛ به همین دلیل مومن با مراتب محبت خویش، مراحل ایمان را در وجود خود تشدید می‌نماید. امام صادق علیه السلام «حب فی الله» را عروه و دستگیره ایمان محسوب کرده، می‌فرماید: «از محکمترین دستگیره‌های ایمان، این است که در راه خدا دوست بداری و در راه خدا دشمن بداری»؛ علامه مجلسی در شرح «عروه» در این حدیث معتقد است: «عروه به معنای چیزی است که به واسطه آن به طناب و ریسمانی چنگ می‌زنند و از آن بالا می‌روند» (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۶، ص ۲۳۹) گویا ایمان ریسمانی است که صعود در آن بدون دستگیره محبت ممکن نیست. به راستی چه عنصری موثرتر از «محبت» برای بندگی خدا و ایمان حقیقی وجود دارد؟ (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۶، ص ۲۳۹)

نکته دیگری که از منظر روایات شیعه قابل طرح است، نقش «بغض» در ساحت دینداری است. همانطور که در برخی از روایات، ائمه معصومین علیهم السلام حقیقت دینداری را در خصوص محبت دانسته‌اند؛ در برخی دیگر از این روایات «محبت» را در کنار «بغض» و نفرت قرار داده، فرموده‌اند: «آیا دین چیزی غیر از محبت و نفرت است؟» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۵، ص ۶۳) به نظر می‌رسد این دو دسته روایت منافاتی

با یکدیگر ندارند؛ زیرا حقیقت محبت به خدا و اولیای خدا، بدون بغض از دشمنان الهی و طواغیت محقق نمی‌شود؛ چرا که محبت به دشمنان و مخالفان محبوب، کاشف از محبوب نبودن محبوب و دروغین بودن ادعای محبت اوست. (ر. ک: بهشتی، ۱۳۸۱، ش، ص ۲۰) بنابراین دیندار «صلح کل» نیست و همانطور که به خدا و ایمان و اولیای خدا عشق می‌ورزد، از کفر و طاغوت و دشمنان الهی بیزار است.

مطلب دیگری که در این روایات به چشم می‌خورد سخن از «متعلقات محبت و نفرت دینی» است؛ اموری که لازم است دیندار به آنها عشق بورزد و یا از آنها نفرت داشته باشد به صورت کلی این امور را می‌توان در پنج محور خلاصه نمود: محور نخست محبت به خدای متعال، (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۶۷، ص ۲۵) محور دوم محبت به مومنین، (ر. ک. برقی، ۱۳۷۱، ق، ج ۱، ص ۴۱۴) و در صدر آنان محبت به به پیامبر اکرم و خاندان با کرامت ایشان علیهم السلام (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ش، ج ۱، ص ۱۴۰)، محور سوم محبت به ایمان و اعمال شایسته، (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۹۲، ص ۳۰۹) محور چهارم بغض و نفرت از کفر، عصیان و نافرمانی، (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۸، ص ۱۲۹) و محور پنجم بغض از کافران و دشمنان الهی (ر. ک: حرانی، ۱۴۱۰، ق، ص ۴۵۵) است.

تا اینجا از عواطف دینی در روایات شیعه سخن گفته شد. در روایات اهل سنت نیز هر چند به لحاظ کمی شاهد روایات کمتری هستیم اما به صورت کلی تفاوت کیفی محسوسی در این میان مشاهده نمی‌شود. در کتاب صحیح بخاری آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «سه امر است که در هر کس باشد طعم ایمان را می‌چشد: خدا و رسولش نزد او از دیگران محبوب‌تر باشند، به هیچ شخصی محبت نرزد مگر برای خدا و از بازگشت به کفر بیزار باشد چنانچه از فروافتادن در آتش بیزار است» (بخاری، ۱۴۱۰، ق، ج ۱، ص ۳۴) در این کلام جامع، محبت به خدا و مومنین و در مقابل بغض از کفر به عنوان مولفه‌های ایمان در حوزه عواطف و احساسات بیان شده است.

بخاری و مسلم هر کدام بابتی را به «حب انصار» اختصاص داده اند و روایاتی را مبنی بر اینکه محبت این جماعت از علائم دینداری و ایمان است، نقل نموده‌اند. (ر. ک: بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵ و مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۸۴). علاوه بر این؛ مسلم این حدیث شریف را از امام علی علیه السلام نقل نموده است که فرمود: «قسم به خدائی که دانه را شکافت و انسان را به وجود آورد، پیامبر خدا عهد نمود که مرا تنها مومنان دوست دارند و تنها منافقان دشمن دارند.» (همان، ص ۸۶)

محبت به اهل بیت عصمت و طهارت نیز در روایات اهل سنت مورد توجه است و از علائم دینداری و ایمان شمرده شده است. در روایتی که زمخشری آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نموده است؛ «مردن با محبت آل محمد» علیهم السلام نه تنها موجب کمال ایمان بلکه موجب وصول به مقام شهادت، بخشش گناهان، بشارت ملائکه و نکیر و منکر به سرای بهشتی، زیارت مستمر ملائکه از قبر آن شخص و... شمرده شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۲۲۰)

«دوست داشتن برای خدا» و «دشمن داشتن برای خدا» نیز در برخی از روایات اهل سنت در کنار دینداری مومنانه مطرح شده‌اند. (ر. ک: بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۷ و ترمذی، بی تا، ج ۹، ص ۳۱۸ و...). علاوه بر این در روایتی که از عایشه نقل شده است (نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۲۷۷ و هندی، ۱۳۹۵ق، ج ۳، ص ۸۱۷). نبی اکرم صلی الله علیه و آله حقیقت دینداری را منحصر در همین دو امر دانسته است و بدین طریق آنچه را پیشتر از روایات شیعه نقل نمودیم - مبنی بر اینکه گوهر دینداری حب فی الله و بغض فی الله است - تایید نموده‌اند.

بدین ترتیب، در نظام روایی اهل سنت نیز - نظیر نظام روایی شیعه - حب و بغض در پنج محور قرار دارند: حب به خدای سبحان، حب به مومنان و اولیای الهی، حب به ایمان و اعمال صالحه، بغض از کفر و عصیان و در نهایت بغض از کافران و دشمنان

الهی؛ ناگفته پیداست که این همه از اطلاق دو عبارت «حب فی الله» و «بغض فی الله» قابل استفاده هستند.

۳- مولفه‌های دینداری در حوزه «مکارم اخلاق»

در میراث روایی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، مکارم اخلاقی فراوانی از اوصاف دینداران محسوب شده است. صبر، (ر. ک: آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۴۰۳) ورع، (ر. ک: ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ص ۹) زهد، (ر. ک: آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۴۰۴) کوتاه کردن آرزو، (ر. ک: آمدی، ۱۳۶۶ش، ص ۸۵) عفت، (ر. ک: محمد بن الحسن طوسی، الامالی، ص ۲۲۲) حیا، (ر. ک: آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۹۵) اخلاص، (همان، ص ۵۰) شکر، (همان، ص ۷۲) رضا، (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۳۷۱) توکل، (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۷، ص ۱۷۷) حلم (ر. ک: همان، ج ۲، ص ۱۲۹) و... پاره‌ای از این اوصاف هستند.

نظر به اینکه «تقوا» حقیقتی است که در ضمن مراتب متکثر خود می‌تواند تمام مکارم اخلاقی را تحت پوشش قرار دهد می‌توان ادعا نمود که جامعترین ویژگی اخلاقی دینداران مومن «تقوا» است. شاهد این مدعا آن است که در برخی روایات شیعه تقوا «جماع الدین» به گونه‌ای که گویا حقیقت دینداری در همین یک وصف جمع است، محسوب شده است (ر. ک: آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۳).

در روایات اهل سنت نیز شاهد ذکر برخی از «مکارم اخلاق» به عنوان مولفه‌های دینداری هستیم. برخی از این امور عبارتند از: صبر، (ر. ک: هندی، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۳۶) شکر، (همان) عفت، (ر. ک: دیلمی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۳) خوف، (ر. ک: مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۱۰) حیا، (ر. ک: الاصبهانی، ۱۳۸۷ق، ج ۳، ص ۳۵۷) دوری از حسادت، (ر. ک: هندی، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۱۴۰) خشوع، (همان) غیرت، (همان، ص ۱۴۲) دنیا گریزی، (همان، ص ۱۴۴) و...

۴- مولفه‌های دینداری در حوزه «رفتار و عملکرد»

در روایات شیعه امور متعددی از اوصاف رفتاری دینداران محسوب شده است. اقامه نماز، پرداخت زکات و انجام روزه، (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶ ص ۱۰۹) انجام حج، (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۲) امانت داری، وفای به عهد، (ر. ک: آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۹۴) راستگوئی، (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۱۳۸) مخالفت با هوای نفس، (ر. ک: آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۷۸) تلاش و کوشش، (ر. ک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۲) جهاد، (ر. ک: طبرسی، ۱۳۹۰ ق، ص ۴۳۶) امر به معروف و نهی از منکر (ر. ک: آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۴۶۹) و... تنها برخی از این امور هستند.

در میان عناوین فوق الذکر دو عنوان «اطاعت» و «تسلیم» عام‌ترین عناوینی هستند که تمام اوصاف رفتاری دینداری را در بر می‌گیرند. در روایات متعددی در ضمن تشریح ابعاد دینداری و ایمان، تاکید بر این دو عنوان به چشم می‌خورد؛ (ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۲، ص ۳۳۶ و کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲، ص ۲۳ و ۴۱۴) برای نمونه؛ در روایتی که از امام علی علیه السلام نقل شده است، کمترین چیزی که بنده با داشتن آن مومن محسوب می‌شود «اطاعت» در مقابل فرامین خدای تبارک و تعالی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام دانسته شده است. (ر. ک: هلالی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۶۱۵)

در روایات اهل سنت نیز مولفه‌های مذکور طیف گسترده‌ای دارند که برخی از آنها عبارتند از: اطاعت، (ر. ک: مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۷۵) خوش خلقی، (ر. ک: الاصبهانی، ۱۳۸۷ ق، ج ۳، ص ۳۵۷) عدالت ورزی، (ر. ک: هندی، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۲۸۵) اقامه نماز، (ر. ک: بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۷) پرداخت زکات، (ر. ک: بیهقی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۸۷) اطعام فقرا، (ر. ک: مسلم، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۶۵) افشای سلام، (بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۱۵) عدم آزار به مسلمین، (همان، ص ۱۱) راستگوئی، (هندی، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۱۵۷) نصیحت پذیری (ر. ک: بخاری، ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ص ۲۱)

و... این مولفه‌ها در برخی موارد به رفتارهای خرد و جزئی نیز توجه داشته اند تا جائی که در روایتی «برداشتن مانع از راه عبور مسلمین» از علائم دینداری محسوب شده است. (ر. ک: مسلم، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۳) به صورت کلی بسیاری از کتب روایی اهل سنت که بابتی را به «ایمان» اختصاص داده‌اند؛ در میان روایت منقول خویش، به تبیین این اصول رفتاری پرداخته‌اند.^۱

۵- بررسی تطبیقی

پس از بررسی روایات فریقین، در مقام مقایسه تطبیقی بین این دو، در باب تبیین مولفه‌های دینداری، می‌توان نتایج ذیل را مطرح نمود:

الف. در روایات شیعه، کلید واژه‌های اصل‌الدین، عماد‌الدین، راس‌الدین، کمال‌الدین، نظام‌الدین، اساس‌الدین، جماع‌الدین و ملاک‌الدین، مولفه‌های دینداری را تبیین می‌نمایند؛ برخی از این مولفه‌ها مربوط به حوزه «عواطف»، پاره‌ای مربوط به حوزه «مکارم اخلاق» و بخشی دیگر مربوط به حوزه «عملکرد و رفتار» هستند. در روایات اهل سنت واژگان کلیدی «اساس‌الدین»، «اصل‌الدین»، «کمال‌الدین» و «نظام‌الدین» به کار نرفته‌اند، اما در کنار سه واژه ترکیبی «عماد‌الدین»، «راس‌الدین» و «ملاک‌الدین» برخی از مولفه‌های دینداری نظیر علم و دانش، نماز، دعا، ورع و... به چشم می‌خورند. بنابراین حضور این واژگان کلیدی در روایات شیعه پررنگ‌تر است و از این جهت این روایات به لحاظ کمی و کیفی رتبه بالاتری کسب می‌نمایند.

ب. وجود گرانمایه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و محبت ایشان در فرهنگ روایی شیعه به عنوان اصل‌الدین، عماد‌الدین، کمال‌الدین، نظام‌الدین و اساس‌الدین معرفی شده است و این امر شاهدی گویا بر اهمیت ایشان در شکل‌گیری نظام

۱. هر یک از کتابهای: صحیح مسلم، صحیح بخاری، کنز العمال، شعب الایمان و... در نخستین جلد خود این باب را جای داده‌اند.

دینداری اسلامی است. اما در روایات اهل سنت هر چند محبت ایشان از مولفه‌های دینداری محسوب شده است، لکن اثری از این کلید واژه‌ها - که هر یک مبین اهمیت فوق‌العاده این عنصر در نظام شکل‌گیری دینداری مطلوب اسلامی هستند - وجود ندارد.

ج. روایات متعددی از شیعه در قالب لسان حصر حقیقت و گوهر دینداری را منحصر در «حب» دانسته‌اند؛ زیرا تسلیم و اطاعت که عنصری موثر در شکل‌گیری دینداری است بدون محبت حقیقی شکل نمی‌گیرد. اما در روایات اهل سنت تنها از روایات منقول از عایشه از نبی اکرم صلی الله علیه و آله می‌توان این استفاده را نمود که «گوهر دینداری، منحصر در حب و بغض است».

د. روایات شیعه عواطف و احساسات انسان دیندار را در پنج محور جای می‌دهد: ۱- محبت به خدای متعال؛ ۲- محبت به مومنان و به ویژه پیامبر اکرم و اهل بیت ایشان؛ ۳- محبت به ایمان و اعمال شایسته؛ ۴- بغض از کفر و عصیان و ۵- بغض از کافران و دشمنان الهی. در روایات اهل سنت نیز این پنج محور در سطح کمی فروتری قابل مشاهده هستند؛ چرا که در این روایات «حب فی الله» و «بغض فی الله»، مبین مولفه‌های دینداری در حوزه «عواطف و احساسات» دیندار هستند که در نگاهی جزئی‌تر می‌توان آنها را به پنج محور ذکر شده ارجاع داد.

ه. در روایات شیعه اوصاف متعددی از مکارم اخلاقی دیندار محسوب شده اند نظیر صبر، ورع، زهد، کوتاه کردن آرزو، عفت، حیا، اخلاص، شکر، رضا، توکل، حلم و...؛ در این میان جامع‌ترین ویژگی اخلاقی انسان دیندار - همانطور که در برخی روایات شیعه نیز بیان شده است - «تقوا» ارزیابی می‌شود. متقابلاً در برخی روایات اهل سنت نیز مکارم اخلاقی نظیر: صبر، شکر، عفت، خوف، حیا و... به عنوان مولفه‌های دینداری در حوزه خلیات قابل طرح هستند اما روایاتی که در آن از خصوص «تقوا» به عنوان مولفه دینداری سخن گفته شده باشد یافت نگردید.

و. در حوزه رفتار و عملکرد دیندارانه، امور متعددی در روایات شیعه به چشم می‌خورند که عبارتند از: اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه، انجام حج، امانت داری، وفای به عهد، راستگویی و... که می‌توان تمام آنها را در دو عنوان فراگیر «تسلیم» و «اطاعت» جای داد. برخی از این اصول رفتاری در روایات اهل سنت نیز به چشم می‌خورند نظیر: خوش خلقی، عدالت ورزی، اقامه نماز، پرداخت زکات، اطعام فقرا و... در عین حال در این روایات نیز بر عنصر «اطاعت» تاکید شده است.

نتیجه‌گیری

بر اساس مباحث پیشین می‌توان نتیجه گرفت که میراث روائی فریقین در تبیین مولفه‌های دینداری در سه حوزه عواطف، اخلاق، و رفتار همگرا و همسو هستند و هر چند به لحاظ کمی و کیفی روایات شیعه در این میدان گوی سبقت را می‌ربایند اما در عین حال محتوای کلی و پیام جامع این دو بر یکدیگر منطبق است.

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ابن ابی فراس مسعود بن عیسی ورام ، مجموعه ورام ، ۲، اول، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق
 ۲. ابن بابویه محمد بن علی، التوحید، اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق
 ۳. _____، الخصال، ۲، اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش
 ۴. _____، علل الشرایع، ۲، اول، قم، کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ ش
 ۵. _____، التوحید، اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق
 ۶. _____، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ۲، اول، تهران، جهان، ۱۳۷۸ ق
 ۷. _____، کمال الدین و تمام النعمه، ۲، دوم، تهران، اسلامی، ۱۳۹۵ ق
 ۸. _____، من لا یحضره الفقیه، ۴، دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق
 ۹. الاصبهانی احمد بن عبد الله ، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ۱۰، دوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۳۸۷ ق
 ۱۰. البخاری محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۶، چهارم، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۱۰ ق
 ۱۱. برقی احمد بن محمد بن خالد ، المحاسن، ۲، دوم، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق
 ۱۲. بهشتی احمد ، دوستی همان گوهر دین است، مجله مکتب اسلام، شماره ۹، ۱۳۸۱ ش
 ۱۳. البیهقی احمد بن الحسین ، شعب الایمان، ۷، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق
 ۱۴. الترمذی محمد بن عیسی ، سنن الترمذی، ۵، اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا
 ۱۵. تمیمی آمدی عبد الواحد بن محمد ، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، اول، قم، دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش
 ۱۶. _____، غرر الحکم، دوم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق
 ۱۷. جوادی آملی عبد الله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چهارم، قم، اسراء، ۱۳۸۹
 ۱۸. حرانی حسن بن علی ابن شعبه ، تحف العقول، دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ ق
 ۱۹. حسینی زبیدی محمد مرتضی ، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰، اول، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق
 ۲۰. حلّی احمد بن محمد ابن فهد ، التحصین فی صفات العارفين، دوم، قم، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۶ ق
 ۲۱. _____، عدة الداعی و نجاح الساعی، اول، تهران، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق
 ۲۲. الدیلمی الهمدانی شیرویه بن شهردار ، الفردوس بمائور الخطاب، ۵، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۶ ق
 ۲۳. دیلمی حسن بن محمد ، ارشاد القلوب الی الصواب، ۲، اول، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق
 ۲۴. زمخشری محمود ، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۴، سوم، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق
 ۲۵. _____، مقدمه الأدب، اول، تهران، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶ ش
 ۲۶. شریف رضی محمد بن حسین، نهج البلاغه، اول، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق
 ۲۷. شعیری محمد بن محمد ، جامع الأخبار، اول، نجف، مطبعه حیدریه، بی تا

۲۸. شیروانی علی، بررسی تعاریف دین از منظری دیگر، فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال ۷، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۹۰ ش
۲۹. صفار محمد بن حسن، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*، دوم، قم، مکتبه آیه الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق
۳۰. الطبرانی سلیمان بن احمد، *المعجم الاوسط*، ۹، اول، قاهره، دار الحرمین، ۱۴۱۵ ق
۳۱. طبرسی علی بن حسن، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، دوم، نجف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق
۳۲. _____، *إعلام الوری بأعلام الهدی*، سوم، تهران، اسلامیة، ۱۳۹۰ ق
۳۳. طبری املی کبیر محمد بن جریر بن رستم، *المستترشد فی إمامه علی بن أبی طالب علیه السلام*، اول، قم، کوشانیور، ۱۴۱۵ ق
۳۴. طریحی فخر الدین بن محمد، *مجمع البحرین*، ۶، سوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش
۳۵. فیومی أحمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، ۲، دوم، قم، موسسه دار الهجره، ۱۴۱۴ ق
۳۶. القشیری النیسابوری مسلم بن الحجاج، *صحیح مسلم*، ۴، اول، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۲ ق
۳۷. القضاء المصری محمد بن سلامه، *مسند الشهاب*، ۲، دوم، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۷ ق
۳۸. قمی مشهدی محمد بن محمدرضا، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ۱۴، اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ ش
۳۹. کلینی محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، ۸، چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق
۴۰. کراجکی محمد بن علی، *کنز الفوائد*، ۲، اول، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق
۴۱. کوفی فرات بن ابراهیم، *تفسیر فرات الکوفی*، اول، تهران، مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۰ ق
۴۲. المتقی الهندی علی بن حسام الدین، *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، ۱۶، اول، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، ۱۳۹۵ ق
۴۳. مجلسی محمد باقر، *مرآة العقول*، ۲۶، دوم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق
۴۴. _____، *بحار الانوار*، ۱۱۱، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
۴۵. مفید محمد بن محمد، *الإفصاح فی الإمامه*، اول، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق
۴۶. الموصلی التمیمی احمد بن علی، *مسند ابی یعلی*، ۱۳، اول، دمشق، دار المامون للتراث، ۱۴۰۴ ق
۴۷. نوری حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل*، ۲۸، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق
۴۸. النیشابوری محمد بن عبد الله بن محمد، *المستدرک علی الصحیحین*، ۴، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق
۴۹. هلالی سلیم بن قیس، *کتاب سلیم بن قیس الهلالی*، ۲، اول، قم، الهادی، ۱۴۰۵ ق